

تفسیر مادران از آموزش الکترونیکی در شرایط انتشار ویروس کرونا

♦ مریم بهارلونی^۱ ♦ دکتر حسین افراسیابی^۲

چکیده:

در خانواده ایرانی، مادران سهم مهمی در پیگیری، نظارت و همراهی امور درسی و تحصیلی فرزندان برعهده دارند. با شیوع ویروس کرونا و تعطیلی مدارس و انتقال کلاسهای درس به فضای مجازی و فضای خانه، بخش قابل توجهی از آموزشهای درسی به شیوه الکترونیکی انجام شد و مسئولیت مادران در امر آموزش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان افزایش پیدا کرد. اتخاذ راهبرد آموزش مجازی در شرایط بحران کرونا سبب افزایش مشارکت و درگیری مضاعف مادران در امر آموزش شد. در این شرایط جهان زندگی روزمره مادران تحت تأثیر قرار گرفته است و تجربه متفاوتی را پشت سر می گذرانند. هدف از انجام دادن این پژوهش، فهم تجربه و تفسیر مادران دارای فرزند دانش آموز دبستانی از آموزشهای الکترونیکی است. رویکرد پژوهش کیفی و روش اجرای آن نظریه داده بنیاد بر ساخت گراست. نمونه پژوهش بر مبنای نمونه گیری هدفمند از نوع گلوله برفی و در دسترس انتخاب شده است. به این منظور ۲۶ نفر از مادران ۴۹-۲۹ ساله را که حداقل دارای یک فرزند دبستانی بودند، در مطالعه مشارکت دادیم و برای دسترسی به داده های مورد نیاز با آنها مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام دادیم. برای تحلیل داده ها از روش کدگذاری نظری در دو سطح باز و محوری بهره گرفتیم. پس از تجزیه و تحلیل داده ها، هفت مقوله اصلی کشف شد که عبارت اند از: فشار روانی مضاعف، اخلاص روال روزمره، نقش مادر / معلمی، وسواس تکلیف، فاصله نقش دانش آموز، شکست تابوی مجازی و تردید در یادگیری و سنجش. در بحث و نتیجه گیری به تفسیر مقولات ساخته شده ذیل زیر مقولات و مفاهیم پرداخته شد.

کلید واژگان: ویروس کرونا، کووید ۱۹، آموزش الکترونیکی، آموزش مجازی، مادران، والدین

© تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۶

© تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۶

۱. نویسنده مسئول: دانش آموخته دوره دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

baharloueimaryam@yahoo.com

hafrasiabi@yazd.ac.ir

۲. دانشیار جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

■ بیان مسئله

انتشار جهانی ویروس کرونا همه عرصه‌های زندگی اعم از جامعه، سیاست، اقتصاد و فرهنگ را تحت تأثیر قرار داده است. آموزش و پرورش از نهادهایی است که از پیامدهای کرونا بیشترین تأثیرات را پذیرفته است. در جریان تعطیلات ناشی از کرونا، مدارس از اولین بخشهایی بود که تعطیل شد. این تعطیلی از همان روزهای اول پیش‌بینی شد و کشورهای گوناگون راهکارهای متفاوت برای جبران کلاسهای درس و ادامه آموزش اندیشیدند. در ایران نیز در همان هفته‌های اول شیوع کرونا، مدارس مقاطع مختلف تعطیل و یادگیری الکترونیک در بستر اینترنت و تلویزیون برای جبران تعطیلی کلاسها پیش گرفته شد. در ایران ابتدا از نرم‌افزارهای گوناگون استفاده می‌شد، اما نهایتاً «شبکه شاد» معرفی و در نظام آموزشی مدارس فعال شد. این شبکه و روشهای تکمیلی که معلمان و دانش‌آموزان به کار گرفتند، زمینه استمرار آموزش را فراهم کرد. تلویزیون نیز به کمک آمد و بخشی از آموزش را هر روز ارائه کرد. به تدریج دانش‌آموزان در بستر مجازی با معلمان در ارتباط قرار گرفتند و بخشی مهم از مطالب به اکثریت دانش‌آموزان آموزش داده شد.

بحران کرونا سبب ایجاد تغییرات شدید در زندگی کاری بیشتر والدین و دیگر مسئولیتهای آنان شده است (اندرو، کاتان، کاستادیس، فارکوهارسون، کرافتمن^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). در این شرایط تغییرات مهمی در نقش دانش‌آموز، معلم و والدین رخ داده است. یکی از مهم‌ترین تغییرات، افزایش نقش والدین، به‌ویژه مادران در آموزش فرزندان است. مادران بیشتر از پدران در امور تحصیلی فرزندان مشارکت دارند. همچنین مادران در سالهای تحصیلی ابتدایی بیشتر از سایر اعضای خانواده درگیر فعالیتهای آموزشی فرزندان می‌شوند (ادیب، فتحی‌آذر و قره‌آغاجی، ۱۳۹۶). مادران که همیشه نقشی مؤثر در پیگیری تکالیف درسی و آموزش فرزندان داشتند، تحت این شرایط جدید در حال تجربه کردن پدیده‌ای متفاوت شدند. این پدیده در مورد مادران دانش‌آموزان دبستانی از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا دانش‌آموزان دبستانی گاهی توان استفاده از این شبکه‌ها را ندارند، گاهی شیطنت می‌کنند و شانه از کلاسهای الکترونیک خالی می‌کنند و گاهی نیز حضور آنها در اینترنت مخاطراتی دارد. مادران که همواره در حال ایفای نقشهای متعدد از جمله نقش مادری، همسری و خانه‌داری‌اند، در شرایط گسترش آموزش مجازی از سوی آموزش و پرورش، در کنار سایر نقشها، در نقش چهارم که نقش معلم ثانویه است نیز حضور یافته‌اند. برای کودکانی که تازه قدم به محیط آموزشی گذاشته‌اند، آموزش مجازی به معنای حضور تمام‌وقت مادر برای مدیریت و رسیدگی به آموزش کودک در فضای مجازی است. تداخل و تعدد نقشهای چندگانه، مادران را با محدودیت زمانی و با تحلیل مضاعف انرژی مواجه ساخته است. برای مادری که در جامعه و خانواده تعلیم و تربیت پسندیده و شایسته فرزند از او انتظار می‌رود، مراقبت از آسیبها و

1. Andrew, Cattán, Costa Dias, Farquharson, Kraftman

پیامدهای استفاده از فضای مجازی و در اختیار گذاشتن گوشی موبایل نزد فرزند، نگرانیهای مضاعفی را ایجاد کرده است و همین نگرانیها سبب تنگتر شدن زمان فراغت و استراحت مادران و اختصاص دادن زمانی طولانی برای مراقبت و پیگیری و کنترل فرزندشان در زمان آموزش مجازی شده است. در این نوع از آموزش، مسئولیت اطمینان از آموزش فرزند و پرهیز از مخاطرات فضای مجازی بر دوش مادران افتاده است. لذا به نظر می رسد آموزش مجازی زیست جهان و زندگی روزمره مادران را تغییر داده و مسئولیت آنها را در این نوع آموزش به طور قابل ملاحظه ای افزایش داده است.

آنچه در این روزها مدارس برای جبران آموزش در تعطیلات در حال به کارگیری اند، روشی شناخته شده در جهان است که یادگیری از راه دور و یادگیری الکترونیک نامیده می شود. یادگیری از راه دور^۱ به هر نوع فرایند آموزشی گفته می شود که در آن همه یا بیشتر تدریس را افرادی انجام می دهند که از نظر زمانی و مکانی در فضایی دور از یادگیرنده هستند و اغلب ارتباط میان مدرس و یادگیرنده از طریق رسانه مکتوب یا الکترونیکی انجام می شود (یونسکو، ۲۰۰۲). هورتون^۲ (۲۰۰۶) یادگیری الکترونیک را به معنای استفاده از فناوریهای اطلاعاتی برای خلق تجربه یادگیری تعریف کرده است. یادگیری الکترونیکی به مثابه نوعی آموزش ثانویه، سه گروه مخاطب دارد: یادگیری در منزل، مدرسی که هنگام بروز یک بحران نیاز به جایگزین دارند تا آموزش دچار وقفه نشود و مدارس متوسطه که می خواهند با استفاده از اینترنت به عنوان مکمل، دوره های آموزشی را ارائه کنند (بابایی، ۱۳۸۹). امروزه با توسعه فناوری تلفن همراه و ترکیب آن با اینترنت از یادگیری سیار^۳ (برزگر، دهقان زاده و مقدم زاده، ۱۳۹۱) نیز نام می برند. پیشرفت روزافزون در سخت افزار و نرم افزار همراه با استفاده گسترده از دستگاههای تلفن همراه می تواند فرصتی برای افزایش سریع یادگیری دانش آموزان و مشارکت از طریق تجارب عملی فراهم کند (فوتاریس، مستورز، لاینفلتر و روسانلی^۴، ۲۰۱۷؛ فوکیدیس^۵، ۲۰۱۷؛ پیرا، مارتینز، مورگادو، فونسکا و استیونز^۶، ۲۰۱۸). پیش از این، آموزش کودکان در محیط مدرسه و به عهده کادر آموزشی مدرسه بود و مادر نقش اندکی در این آموزش عهده دار بود. حال با حاکم شدن شرایط جدید ناشی از کرونا و رواج آموزش الکترونیک، پس از معلمان بیشترین بار آموزش فرزندان بر دوش مادران افتاده است و از آنجا که مادران نزدیکترین افراد به فرزندان هستند، آموزش مجازی زندگی آنها را تحت تأثیر قرار داده است. هدف ما در این پژوهش فهم تجربه و تفسیر مادران از آموزش مجازی و چالشهای مواجهه با آن است. به عبارت دیگر ما در پی این هدفیم که مادران چه تفسیری از یادگیری الکترونیک دارند و در حال تجربه چه چالشهایی اند.

1. Distance learning
2. Horton
3. Mobile learning
4. Fotaris, Mastoras, Leinfellner & Rosunally
5. Fokides
6. Pereira, Martins, Morgado, Fonseca & Esteves

پیشینه پژوهش

ترجمان و سیادت (۱۳۹۸) در مقاله «امکان‌سنجی استقرار آموزش الکترونیکی در مدارس متوسطه روستایی و عشایری استان لرستان» نشان داده‌اند امکان استقرار آموزش الکترونیکی در مدارس متوسطه روستایی و عشایر استان لرستان وجود ندارد. مسعودی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «ارزشیابی تکوینی و پایانی در محیط یادگیری الکترونیکی» انجام داده است. نتایج نشان دادند که هدف از کاربرد ارزشیابی تکوینی در زمینه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان، آگاهی یافتن از میزان و نحوه یادگیری آنان برای تعیین نقاط قوت و ضعف یادگیری و نیز تشخیص مشکلات روش آموزشی معلم در رابطه با هدفهای آموزشی است. ارزشیابی ماهیتاً یک فرایند کیفی است و در این مرحله، معلم با استفاده از روشها و فنون متفاوت بازده‌های یادگیری دانش‌آموزان و دانشجویان را سنجش می‌کند و میزان توفیق آنان را در دستیابی به هدفهای آموزشی تعیین می‌کند. افضل‌خانی، شریعتمداری و ادیبی (۱۳۸۹) در مقاله «امکان‌سنجی استقرار نظام آموزش مجازی در مدارس متوسطه استان سمنان» نشان داده‌اند که امکان استقرار نظام آموزش مجازی در مدارس متوسطه آموزش و پرورش استان سمنان از لحاظ زیرساخت سخت‌افزاری وجود دارد و از لحاظ زیرساخت نرم‌افزاری در حد متوسط به بالا و از لحاظ محتوای الکترونیکی و دروس مجازی و نیروی انسانی متخصص و اقدامات فرهنگ‌سازی در حد متوسط وجود دارد، اما امکان استقرار آموزش مجازی از لحاظ منابع مالی و پشتیبانی مورد نیاز وجود ندارد. طورانی و رستمی (۱۳۹۷) در مقاله «قابلیتهای بستر فضای مجازی برای تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش» پیشنهاد می‌کنند گسترش اینترنت باید به‌گونه‌ای باشد که به رشد خلاقیت در نظام آموزشی کمک کند، نه اینکه موجبات خلاقیت‌زدایی و انزوای طلبی را فراهم آورد. ادیب و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «ادراک و تجربه مادران دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی داوطلب شرکت در آزمون مدارس استعدادهای درخشان» نشان داده‌اند که والدین و به‌طور اخص مادران، از همان سالهای کودکی، نگران آینده تحصیلی - شغلی فرزند خود هستند و می‌خواهند برای موفقیت وی سرمایه‌گذاری کنند. تقی‌زاده قوام، عراقیه و خورشیدی (۱۳۹۶) در مقاله «شناسایی مؤلفه‌های سازنده آموزشهای مجازی در دوره متوسطه شهرستانهای استان تهران» نشان داده‌اند که مؤلفه‌های سازنده آموزشهای مجازی به این ترتیب است: عامل اول برنامه‌ریزی آموزشی، دوم یادگیری مطلوب، سوم روابط، چهارم بهره‌وری، پنجم محیط مجازی، ششم بازخورد، هفتم تکنولوژی آموزشی، هشتم تفکر منطقی، نهم برنامه‌ریزی درسی و دهم عدالت آموزشی. قربانخانی و صالحی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «بازنمایی چالشهای آموزش مجازی در نظام آموزش عالی ایران: مطالعه‌ای با روش پدیدارشناسی» انجام داده‌اند. یافته‌های آنان نشان داده است که آموزشهای مجازی در نظام آموزش عالی با چالشهای متنوع و متفاوتی مواجه‌اند و تا رسیدن به شرایط بهینه، فاصله دوچندانی داشته و بهبود کیفیت آنها، مستلزم نگاه جدی متولیان و دوری از طرز تلقی آموزش درجه

دوم به این قبیل آموزش‌شهاست. تنهای‌رشوانلو و حجازی (۱۳۹۱) در مقاله «نقش درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی مادر و پدر در انگیزش خودمختار و عملکرد تحصیلی فرزندان» نشان داده‌اند که درگیری مادر، حمایت از خودمختاری پدر و والدین و گرمی مادر، پدر و والدین به واسطه انگیزش خودمختار اثر غیرمستقیم بر پیشرفت تحصیلی دارند. بهمنی، مخدوم، باروجی، کلیم و احمد (۲۰۲۰) در مقاله‌ای «تجارب والدین در زمان یادگیری در خانه در شرایط کرونا» را نشان داده و اظهار کرده‌اند که اقدامات لازم جهت ادامه آموزش از جانب والدین و دولت انجام گرفته است و والدین خیلی سریع خود را سازگار کرده‌اند. سینگ و تورمن^۱ (۲۰۱۹) پژوهشی تحت عنوان «با چند روش می‌توان یادگیری آنلاین را تعریف کرد؟» انجام داده‌اند. فوکیدیس (۲۰۱۷) در مقاله «الگوی برای توضیح نتایج یادگیری دانش‌آموزان دبستانی به‌هنگام استفاده از محیط‌های مجازی چندکاربره» نشان داده از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار انگیزه و تأثیر یادگیری درک‌شده است و مربیان باید همکاری میان دانش‌آموزان در جهان را تقویت کنند. چن، چو و هوئانگ^۲ (۲۰۱۶) در مقاله «نقشه مفهومی مبتنی بر واقعیت افزوده برای پشتیبانی از یادگیری موبایل برای علم» نشان داده‌اند که عملکرد دانش‌آموزانی که برای یادگیری از موبایل به‌عنوان عامل کمکی استفاده می‌کنند افزایش یافته است. بوتیکی، باکسا، سئو، لویی^۳ (۲۰۱۵) پژوهشی تحت‌عنوان «استفاده از یک بستر سیار یادگیری اجتماعی همراه با نشانه‌های مجازی در یک مدرسه ابتدایی» انجام داده‌اند. نتایج آنها کمیت و کیفیت مشارکت دانش‌آموزان در ارزیابی امتیاز تحصیلی پایان سال آنها را پیش‌بینی می‌کند. همچنین یافته‌های آنها نشان می‌دهد که با توجه به ویژگی‌های سیستم خاص، پاسخهای متنی دانش‌آموزان و لایکهای کلی دریافت‌شده از سوی دانش‌آموزان نیز با نمره ارزیابی پایان سال مرتبط است. چانگ، سو و وو^۴ (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان «مطالعه مقایسه‌ای واقعیت افزوده در مقابل فناوری شبیه‌سازی تعاملی برای حمایت از یادگیری دانش‌آموزان از یک موضوع علمی-اجتماعی» انجام داده‌اند. یافته‌های آنها تأثیر آموزشی فناوریهای در حال ظهور برای حمایت از جنبه‌های عاطفی یادگیری دانش‌آموزان را نشان داده است. مطالعات انجام شده، بیشتر به وضعیت فناوری، انگیزه فراگیران و شرایط آموزش از نگاه معلمان و فراگیران و توجه به زیرساخت استقرار آموزش مجازی پرداخته و کمتر به تجربه و تفسیر والدین، به‌ویژه مادران از این آموزش‌ها پرداخته‌اند. مطالعه ما، از محدود مطالعاتی است که تجربه مادران را به منزله افرادی که پس از معلم، بیشتر مسئولیت توجه و پیگیری آموزش و یادگیری دانش‌آموزان را به‌عهده دارند، پرداخته است.

1. Singh & Thurman
2. Chen, Chou & Huang
3. Boticki, Baksa, Seow & Looi
4. Chang, Hsu & Wu

■ مبانی نظری

آموزش یا یادگیری الکترونیک، یکی از انواع یادگیری از راه دور است. یادگیری از راه دور با شیوه‌های گوناگون مانند آموزش مکاتبه‌ای، آموزش با رادیو و تلویزیون، آموزش از طریق رایانه و آموزش از طریق اینترنت انجام شده است. نخستین نوع رسمی آموزش از راه دور، در قرن نوزدهم و به شکل مکتوب بوده است (بابایی، ۱۳۸۹). در سال ۱۹۲۱ برخی از دانشگاهها شروع به استفاده از رادیو برای آموزش کردند. در سال ۱۹۳۴ دانشگاه ایالتی آیوا از تلویزیون به منزله مکمل دوره آموزشی رادیویی استفاده کرد (بابایی، ۱۳۸۹). در دهه ۱۹۲۰ بخش آموزشی کشور بریتانیا شروع به آماده کردن مدارسی بر اساس کاربرد رادیو کرد. پدیده رایانه و اینترنت در تاریخ توسعه یادگیری الکترونیک یک نقطه عطف به حساب می‌آید، زیرا امکان آموزش گسترده و تعامل دوسویه میان مدرس و یادگیرنده را فراهم می‌کند. در ایران دانشگاه ابوریحان برای اولین بار در سال ۱۳۵۰ آموزش راه دور با روش مکاتبه ای را به طور رسمی آغاز کرد (بابایی، ۱۳۸۹). این روند به تدریج گسترش یافت. در مورد آموزش الکترونیکی نیز تحولاتی رخ داد و در آموزش عالی در دانشگاههای بزرگ کشور بخشهای خاص آموزش الکترونیکی راه اندازی شد. در آموزش و پرورش نیز این نوع آموزش به تدریج مورد توجه قرار گرفت.

پدیده اینترنت، یادگیری الکترونیک و از راه دور را دچار تغییراتی شگرف کرده و زیست جهانی جدید برای آموزش و یادگیری فراهم کرده است. از نظر گیدنز (۲۰۰۱؛ ترجمه چاوشیان، ۱۳۸۶) تغییر در آموزش و پرورش، مانند تغییر در بسیاری از حوزه‌های دیگر زندگی اجتماعی روزگار ما، تحت تأثیر دو عامل بازار و فناوری اطلاعات قرار دارد. گیدنز در بحث از نقش و تأثیر فناوری اطلاعات و اینترنت در تحول آموزش و پرورش به مفاهیمی اشاره می‌کند که صاحب نظران به کار گرفته‌اند. مفاهیمی از جمله «انقلاب کلاس درس»، «واقعیت مجازی میز تحریر» و «کلاس درس بدون دیوار» (گیدنز، ۱۳۸۶: ۷۲۹). از نظر گیدنز، رایانه‌ها موجب گسترش فرصتهای آموزشی می‌شوند و به کودکان فرصت می‌دهند که با اتکای به خود درس بخوانند، در اینترنت درباره هر موضوعی که می‌خواهند تحقیق کنند و از نرم افزارهای آموزشی برای یادگیری با هر سرعتی که می‌خواهند استفاده کنند. اما این رویا (کابوس) کلاس درس که کودکان فقط از طریق رایانه خود درس را فرا بگیرند، هنوز محقق نشده است. در واقع کلاس بدون دیوار هنوز دور از دسترس به نظر می‌رسد. یک دلیل ساده این است که رایانه کافی برای استفاده تک تک دانش آموزان در مدرسه یا خانه وجود ندارد. دوم اینکه اکثر معلمان رایانه‌ها را مکمل درسهای سنتی می‌دانند و نه جایگزین آنها. دانش آموزان می‌توانند با استفاده از رایانه تکالیف مربوط به برنامه‌های درسی متعارف را انجام دهند، اما هیچ یک از آنها فناوری اطلاعات را رسانه‌ای به شمار نمی‌آورند که بتواند جایگزین یادگیری از معلمان و تعامل با آنها شود (۲۰۰۱؛ ترجمه چاوشیان، ۱۳۸۶).

گیدنز از «یادگیری مادام‌العمر» سخن می‌گوید. از نظر او، مفهوم آموزش و پرورش - که به معنای انتقال ساخت‌یافته دانش و معرفت در یک نهاد ساخت‌یافته دانش و معرفت در یک نهاد رسمی است - جای خود را به مفهوم وسیع‌تر «یادگیری» می‌دهد که در محیط‌های گوناگون به وقوع می‌پیوندد. این چرخش از آموزش و پرورش به یادگیری موجب شده تا فراگیران به کنشگرانی فعال و کنجکاو تبدیل شوند که می‌توانند از چند منبع گوناگون چیزهایی بیاموزند. تأکید بر مفهوم یادگیری به معنای پذیرش این مطلب است که مهارت‌ها و دانش را می‌توان از طریق انواع مراودات و معاشرت‌ها با دوستان و همسایه‌ها و گفتگوهای روزمره یا از اینترنت و رسانه‌ها یاد گرفت. چرخش به سمت یادگیری مادام‌العمر را در مدارس نیز می‌توان دید، زیرا فرصت‌های روزافزون برای یادگیری در بیرون از کلاس درس برای دانش‌آموزان وجود دارد. مرزهای میان مدارس و دنیای بیرونی، نه فقط در فضای مجازی رایانه‌ای بلکه در دنیای مادی نیز در حال فروپاشی است (۲۰۱؛ ترجمه چاوشیان، ۱۳۸۶).

برونر^۱ (۱۹۹۰) تأکید دارد که امر آموزش در ارتباط با تجارب و موقعیتهایی است که یادگیرنده را به یادگیری علاقه‌مند و توانا سازد (آمادگی برای یادگیری)؛ از این‌رو باید طوری سازماندهی شده باشد که دانش‌آموز به آسانی آن را درک کند (سازماندهی حلزونی)، به گونه‌ای باشد که فرایند استنباط را تسهیل کند یا خلأهای مربوط به دانش را پر کند. این مبانی فکری اساس بر ساخت‌گرایی را تشکیل می‌دهد. بر ساخت‌گرایی در آموزش و یادگیری بر اساس این فرضیه استوار است که یادگیرنده اولاً باید فعالانه دانش و مهارت «بسازد» و دوم اینکه اطلاعات نه در محیط بیرون بلکه درون این مفاهیم ساخته‌شده وجود دارد. اصل اساسی بر ساخت‌گرایی این است که دانش‌آموزان نه از طریق مشاهده (دریافت منفعلانه دانش دیگران) بلکه از طریق عمل (ساختن فعالانه معنای شخصی) یاد می‌گیرند. یادگیرندگان دانشی مقدماتی را وارد محیط یادگیری می‌کنند که در آن باید درک خود را از این دانش مورد بررسی و ارزیابی مجدد قرار دهند (برونر، ۱۹۹۰؛ ۱۹۶۶؛ جاناسن^۲، ۱۹۹۶؛ ویگوتسکی، ۱۹۷۸). جاناسن (۱۹۹۱) استدلال می‌کند که در محیط‌های یادگیری بر ساخت‌گرا تأکید بر شناسایی دانش خاص نیست، بلکه بر شناسایی ابزار موردنیاز یادگیرندگان برای تولید دانش است. همچنین راهبردها برای تسهیل انتقال دانش از دنیای خارج به ذهن یادگیرنده انتخاب نمی‌شوند، بلکه هدف از انتخاب راهبردها ارائه ابزار موردنیاز یادگیرنده برای مفهوم‌سازی است؛ معناسازی و ایجاد گفتمانی جدید در حوزه‌ای از دانش با استفاده از چشم‌اندازی که میان - رشتگی فراهم می‌کند (مقدم، ۱۳۹۲).

در مورد آموزش‌های الکترونیکی نگاه‌های انتقادی نیز مطرح شده که یکی از برجسته‌ترین آنها متعلق به دریفوس است که رویکردی فلسفی به این موضوع دارد. دریفوس^۳ (۲۰۰۸؛ ترجمه ملائکه، ۱۳۸۳)

1. Bruner
2. Jonassen
3. Dreyfus

بر این باور است که بدن و حرکت‌های آن نقشی تعیین‌کننده در معنادار کردن جهان، از جمله آموزش و یادگیری دارند و فقدان تجسد به فقدان توانایی تشخیص مناسبت‌ها و روابط منجر می‌شود. از نظر دریفوس انسانها بدون حضور، قادر به کسب مهارت نیستند. در آموزش الکترونیک، فقدان پیوستگی و هماهنگی منجر به فقدان درک واقعیت افراد و اشیا می‌شود. معنا در زندگی ما نیاز به تعهد صادقانه دارد و تعهد واقعی به خطرپذیری واقعی نیازمند است. گمنامی و تعهد مجازی در شبکه، به زندگی بی‌معنا منتهی می‌شود (دریفوس، ۲۰۰۸؛ ترجمه ملائکه، ۱۳۸۳).

■ روش تحقیق

این مطالعه مبتنی بر رویکرد کیفی است. پژوهش کیفی مستلزم نوعی رویکرد تفسیری به دنیای انسانی است. این بدان معناست که پژوهشگران کیفی پدیده‌ها را بر اساس معنایی که افراد به آنها می‌دهند، معنا و تفسیر کنند (کرسول^۱، ۱۹۹۷؛ ترجمه دانائی‌فرد، ۱۳۹۴). در مرحله اجرا، از نظریه داده‌بنیاد بر ساخت‌گرا (چارمز^۲، ۲۰۰۶) به‌منزله یکی از روشهای اجرای پژوهش کیفی استفاده کرده‌ایم. مشارکت‌کنندگان از میان مادران ۲۹ تا ۴۹ ساله انتخاب شدند که دارای حداقل یک فرزند در پایه تحصیلی دبستان بودند. مادران مشارکت‌کننده را با روش نمونه‌گیری گلوله برفی، با حداکثر تنوع و در دسترس انتخاب کردیم. تلاش کردیم مشارکت‌کنندگان با ویژگیهای متنوعی مانند داشتن تحصیلات متفاوت، شاغل و خانه‌دار، تک‌فرزند و چند فرزند و در سنین متفاوت انتخاب شوند. نمونه‌گیری را تا جایی ادامه دادیم که داده‌ای جدید حاصل نشد و داده‌های تکراری به دست آمدند. نمونه با ۲۶ مشارکت‌کننده به اشباع رسید.

گردآوری داده‌ها را با روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام دادیم. به این صورت که چند سؤال باز داشتیم و در چارچوب این سؤالات با مادران گفتگو کردیم. مصاحبه را نویسنده اول مقاله انجام داده‌اند. به‌دلیل شیوع ویروس کرونا و عدم امکان مصاحبه حضوری، مصاحبه به‌صورت مجازی و از طریق شبکه‌های اجتماعی (اینستاگرام، واتس‌آپ و تلگرام) انجام گرفت و باتوجه به میزان همراهی مادران، هر مصاحبه ۳۰ تا ۹۰ دقیقه به‌طول انجامید. برخی از سؤالاتی که ضمن مصاحبه از مشارکت‌کنندگان پرسیده شد عبارت‌اند از: نظر شما در مورد آموزش الکترونیکی چیست؟ آموزش الکترونیکی فرزندان چه تأثیری بر زندگی شما گذاشته است؟ چه پیامدهایی را به‌بار آورده است؟ با چه چالشهایی مواجه شده‌اید؟ چه نگرانیهایی در این‌روزها در مورد آموزش الکترونیکی فرزندان دارید؟

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری نظری استفاده شد. شایان ذکر است که در نظریه داده‌بنیاد، پژوهشگر همزمان با گردآوری داده‌ها کار تحلیل داده‌ها را نیز شروع می‌کند که به‌صورت فرایندی «رفت و برگشتی» است (کرسول، ۱۳۹۴). ابتدا کدگذاری باز انجام شد و داده‌ها چندین مرتبه

1. Creswell
2. Charmaz

خوانده و جمله به جمله و سطر به سطر مفهوم گذاری شدند، سپس کد گذاری محوری آغاز شد و مفاهیم کشف شده در مرحله کد گذاری باز مطالعه شدند و مفاهیم مشابه ذیل یک مقوله قرار گرفتند و زیر مقولات ساخته شدند. زیر مقولات نیز چندین بار با دقت مرور شدند و پس از ترکیب و یکپارچه سازی، مقولات اصلی ساخته شدند و در آخر کد گذاری گزینشی انجام گرفت.

برای اطمینان از اعتبار یافته های پژوهش، روش کنترل از سوی اعضا به کار گرفته شد (یافته ها به مشارکت کنندگان برگشت داده می شد و از آنها خواسته می شد یافته ها را بررسی و صحت آنها را تأیید کنند) و کنترل را هم تایان علمی انجام دادند. از متخصصان مجرب در حوزه موضوعی و ماهیت روشی درخواست شد تا پژوهش را مطالعه و نظرات خود را مطرح کنند. همچنین مصاحبه ها را با سه نفر از مشارکت کنندگان در میان گذاشتیم. آنها مفاهیم و مقوله های برساخته ما را ارزیابی کردند و در مواردی برخی از مقوله ها بازبینی شدند.

پیش از انجام دادن مصاحبه، رضایت مادران را برای مشارکت در مصاحبه ها جلب کردیم. به منظور رعایت حریم شخصی و حفظ گمنامی مشارکت کنندگان، پس از آغاز مصاحبه هدف پژوهش به طور کامل برای آنها توضیح داده شد. هیچگونه اطلاعات شخصی از مشارکت کنندگان درج نمی شود.

یافته ها

داده های به دست آمده از مصاحبه ها با استفاده از روش کد گذاری نظری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در مرحله اول ۱۴۳۷ مفهوم از مصاحبه ها به دست آمد. تلفیق زیر مقولات منجر به شکل گیری ۷ مقوله اصلی شد که عبارت اند از: فشار روانی مضاعف، اخلاص روال روزمره، نقش مادر/معلمی، وسواس تکلیف، فاصله نقش دانش آموز، شکست تابوی مجازی و تردید در یادگیری و سنجش.

جدول ۱. مفاهیم و مقولات مستخرج از مصاحبه ها

مقوله	مفاهیم
فشار مضاعف روانی	فشار روحی، خستگی، اختلالات روحی، افسردگی، عامل تنش، ناراحتی، گله و شکایت، کم حوصله شدن، کج خلقی، عصبی شدن، بحث و جدل، افزایش حرص و جوش، دلهره، درگیری با همسر، درگیری با فرزند، دست و پا گیر بودن فرزند کوچک، سر و صدای محیط خانه، ایجاد مزاحمت، نبود آرامش، سلب آسایش
اخلاص روال روزمره	از دست رفتن خلوت، نبود فرصت تنهایی، نداشتن فرصت مطالعه، اختلال نظم روزمره، عقب افتادن کارها، در رفتن سر رشته زندگی، تأخیر در نیازها، تعویق خواسته ها، نبود زمان فراغت، حذف کردن برنامه های شخصی، محدودیت در توجه به خود، کاهش زمان خواب، نداشتن زمان استراحت
نقش مادر/معلمی	معلم دوم بودن، پیگیری دروس، تکرار دوباره آموزش، از نو آموزش دادن، متقاعد کردن بچه، سر و کله زدن تمام وقت با بچه، درگیری پاره وقت، به دوش کشیدن بار آموزش، آماده کردن فرزند برای آموزش، اطمینان از یادگیری، تلاش مضاعف در آموزش، اختصاص زمان زیاد به آموزش

جدول ۱. (ادامه)

مقاله	مفاهیم
وسواس تکلیف	نگرانی به تأخیر افتادن تکالیف، دغدغه فراموشی ارسال، دلبهره انجام صحیح تکالیف، استرس تأیید شدن از جانب آموزگار، زمان‌بر بودن کنترل تکالیف، اصرار بر انجام دادن تکالیف، کنترل کردن تمام تکالیف
فاصله نقش دانش آموز	بی‌توجهی به درس، افزایش بازیگوشی، دل‌سردی، تنبلی در تکالیف، زیر بار نرفتن انجام دادن تکالیف، بی‌توجهی در انجام دادن تکالیف، کاهش احساس دانش‌آموزی، عدم پذیرش مسئولیت یادگیری، سستی در یادگیری، ناراحتی فرزند، کج‌خلقی، ابراز خستگی فرزند، زودرنج شدن فرزند، گریه و زاری، غرولند و قهر کردن، امتناع ورزیدن، به تعویق انداختن، بهانه‌جویی، تعلل‌ورزی
شکست تابوی مجازی	عادت کردن فرزند به استفاده از گوشی، خو گرفتن به اینترنت، عادت به گشت‌وگذار در فضای مجازی، عادی شدن جست‌وجو در اینترنت، احساس مالکیت، زیر سؤال بردن ممنوعیتها، نقض قوانین قبلی، دانه‌دو در اینترنت، مجاز شمردن اینترنت
تردید در یادگیری و سنجش	ترس از ضعف یادگیری فرزند، دغدغه تضعیف پایه علمی، تردید در شیوه آزمون، تقلب دانش‌آموز، تردید در آموزش اثربخش، باور به آموزش رو در رو، نگرانی از آینده تحصیلی، نیاز به مرور پایه تحصیلی، نگرانی در شروع پایه بالاتر، احساس نیاز به تقویت پایه

● فشار روانی مضاعف

در شرایط همه‌گیری کرونا، همه مردم از جمله والدین تحت تأثیر نگرانی ابتلا و مشکلات و پیامدهای کرونا قرار دارند، به‌ویژه مادران که نگرانی مضاعفی را تجربه می‌کنند، زیرا از یک‌سو باید مراقب سلامت خود و خانواده و از سوی دیگر پیگیر آموزش فرزندان باشند. به تعبیر یکی از مشارکت‌کنندگان، «دستی در تشت مواد شوینده و دستی بر گوشی موبایل دارند» یا «با چشمی به سینک ظرفشویی و چشمی به صفحه مانیتور» زندگی می‌کنند. این شرایط منجر به تجربه فشار روانی در مادران شده است. مفاهیمی چون خستگی مضاعف، استرس و اضطراب، عامل تنش، کم حوصله شدن، نوسانات خلقی، عصبی شدن، بحث و جدل بارها از مشارکت‌کنندگان شنیده می‌شد. سارا می‌گوید:

«خیلی عصبی شدم و بحث و جدل، زیاد شده تو خونمون».

با توجه به گفته‌های مادران مشارکت‌کننده آموزش مجازی کج‌خلقیها و خستگی مضاعفی را برای مادران در پی داشته است.

سمیرا (۳۴ ساله، کارشناسی، خانه‌دار و دارای دو فرزند) می‌گوید:

«من یه دختر ۷ ساله و یه دختر یه ساله دارم. شرایطم خیلی سخت شده. خیلی خسته شدم. واقعاً دیگه اعصابم نمی‌کشه. آموزش مجازی برای من که خیلی تجربه بدی بوده و اصلاً به نظرم خوب نیست، چون هی باید حرص بخوری، بحث کنی، دعوا کنی تا بچه بشینه پاش».

فشارهای ناشی از کار خانه‌داری، همسرمداری و مادری در کنار مسئولیت و رسیدگی به آموزش

مجازی فرزندان اسباب رنج و زحمت بیشتر را برای مادران فراهم کرده و گذران زندگی آنها را با دشواری بیشتری روبه‌رو کرده و سبب درهم ریختگی حالات روحی آنها شده است.

● اخلاص روال روزمره

واگذاری نقش آموزشی فرزندان از نهاد آموزش و پرورش به نهاد خانواده به دلیل مجازی شدن آن، زندگی روزمره اغلب مادران را دستخوش دگرگونی اساسی کرده است. این امر سبب اخلاص در نظم زندگی روزمره مادران و عقب افتادن کارهای آنان شده است. سپری کردن زمان برای فراغت و تنهایی را از آنها سلب کرده است. شیما می‌گوید:

«تا میام به درسای پسرم برسم و مراقب باشم بازیگوشی نکنه و انجام بده از همه کارای دیگه و تمیز کردن و همه چی عقب می‌افتم».

سوسن (۳۳ ساله، کارشناسی و دارای دو فرزند) می‌گوید:

«از وقتی مدارس تعطیل شد و بعدشم آموزش مجازی شروع شد من به کل سر رشته زندگیم از دستم خارج شد. اینقدر درگیر تکالیف یگانه می‌شم که یادم میره ساعت چنده. بعدشم که بلندشم دوباره کارای خونه رو انجام بدم و پیام سر درشش، اصلاً زمانی برای خودم ندارم».

همکاری مادران برای آموزش فرزندان و درگیریهای مادران گذران زندگی روزانه آنها را پر تلاطم و سخت کرده و زندگی آنان را از حالت طبیعی خود خارج کرده است. نگار (۳۷ ساله، کارشناسی ارشد و تک‌فرزند) می‌گوید:

«خونه موندن بچه‌ها باعث شده انضباطشون به هم بریزه. تا دیر وقت بیدار باشن و صبح تا دیروقت بخوابن نظم کل زندگی مختل شده و توی این آشفته‌باز آموزش مجازی و هی دنبال کردن تکالیف و درس بچه‌ها و سر و کله زدن باهاشون تموم وقت آدمو می‌گیره و واقعاً اذیت کننده‌س».

مادران یکی از مهم‌ترین دلنگرانیها و وظایف خود را رسیدگی و مراقبت از آموزش فرزندان و اطمینان خاطر از یادگیری آنها می‌دانند و این دلیلی برای غرق کردن آنها در آموزش مجازی و اخلاص روال روزمره زندگی مادران شده است.

● نقش مادر/ معلمی

جابه‌جایی محیط آموزشی از مدرسه به خانه، بار اصلی آموزش و اطمینان از یادگیری را بر دوش مادران گذاشته است. اطمینان از یادگیری دانش‌آموزان از تدریس و آموزش از طریق پرسش و پاسخ و برگزاری امتحان به‌عهده معلم بود، حال در شرایط حاضر این مسئولیت به‌عهده مادران است و مادر در دو نقش معلم و مادر حاضر می‌شود. توجه به آموزش و سپس انجام دادن تکالیف، خود فشار روحی مادران را افزون‌تر و تداخل نقش آنان را برجسته‌تر کرده است. مادر/معلمی پیامدی است که آموزش مجازی برای

مادران در پی داشته است. لادن (۳۳ ساله، کارشناسی ارشد و دارای دختر ۱۰ ساله) می‌گوید:

«من می‌گم آموزش مجازی بد نیست ولی باید برای درسایی مثل ریاضی یه ابتکاری داشته باشن چون الان بچه من اون شکلی فقط همون موقع یاد می‌گیره و بعد دوباره یادش نیست و من خودم باید جای معلم بشینم یادش بدم و ممکنه مادرای بی باشن که بلد نباشن».

بنابر گفته‌های مادران، یکی از مشکلات آموزش مجازی یادگیری بچه‌ها در دروسی مانند ریاضی است که به دلیل عدم یادگیری دقیق، زحمت آموزش این دروس اغلب بر دوش مادران افتاده است. میترا (۴۲ ساله، کارشناسی و دارای دختری ۹ ساله) می‌گوید:

«زحمتهای مادری خودش واقعاً زیاده و آدمو خسته می‌کنه، آشپزی، نظافت، رسیدگی به بچه‌ها. ولی حالا نقش معلمی‌ام بهش اضافه شده و تازه همه‌اش از صبح تا شب در حال سر و کله زدن با بچه‌ای تا بالاخره قبول کنه به مشقاشم برسه».

● وسواس تکلیف

برای مادران اطمینان خاطر از درست و به‌موقع انجام دادن تکالیف استرسی مضاعف ایجاد کرده است. ریحانه که مادر دختری ۸ ساله است، می‌گوید:

«از صبح که بیدار میشم باید بشینم کنار یگانه تا تکالیفش و انجام بده».

سولماز می‌گوید:

«همه‌اش استرس دارم. بیهو می‌گم وای یادم رفت تکالیفو بفرستم».

آموزش مجازی برای مادران به گفته خود آنها، استرس‌های بسیار ایجاد کرده و آنها را در شرایط دلهره‌آور و همراه با دغدغه بسیار قرار داده است. وسواس تکلیف مقوله‌ای است که از مصاحبه‌ها کشف شده و دغدغه‌های مادران را افزون‌تر ساخته است. نیلوفر (۴۶ ساله، دیپلم و تک‌فرزند) می‌گوید:

«در طول روز تا به ساعتی فرصت داری تکالیفو برای معلم ارسال کنی. همین خودش خیلی برای آدم استرس میاره. بچه‌ها که حوصله ندارن و همه‌اش در میرن. مدام باید نگران باشی الان تکالیف تموم شد. ساعت چند شده مدام در حال فکر و دلواپسی‌ای».

آموزش مجازی اسباب دلواپسی و استرس مضاعف را برای مادران فراهم ساخته و نگرانیهای آنان را دوچندان کرده است. نگین (۴۰ ساله، دیپلم و دارای دو فرزند) می‌گوید:

«من مدام نگرانم دریا مشقاشو درست نوشته باشه. هی باید خودم پیام دونه به دونه چک کنم که درست نوشته یا نه. اگر غلط بود دوباره درست کنه از طرفی‌ام هی دلهره دارم به‌موقع انجام بده تا دیر نشه و عکس بگیریم بفرستیم برای معلمش».

برای دانش‌آموزان دبستانی انجام دادن صحیح و به‌موقع تکالیف اغلب تحت پیگیریهای مادر حاصل

می‌شود و وسواس تکلیف به جای افتادن بر دوش دانش‌آموزان بر دوش مادران افتاده است و اسباب استرس و اضطراب مضاعف برای آنان را ایجاد کرده است. دغدغه سلامتی فرزند در کنار دلهره و دغدغه تکالیف درسی زندگی روزانه مادران را طاقت‌فرسا و دغدغه‌های آنان را افزون‌تر کرده است.

● فاصله نقش دانش‌آموز

اغلب مادران بیان می‌کردند که فرزندان آنها مانند سابق علاقه و توجهی به درس و آموزش نشان نمی‌دهند و رغبتی برای انجام دادن تکالیف خود ندارند. فرحناز می‌گوید:

«پسر من مدام در حال فراره. باید کلی جنگ و دعوا کنم تا بیدار بشینه. اونم چون توی گوشی و هی‌ام نت قطع می‌شه اصلاً توجه نمی‌کنه».

مشارکت‌کنندگان اظهار می‌کردند که برای انجام دادن تکالیف و تمام کردن آنها انرژی زیادی از مادران گرفته می‌شود و بچه‌ها تحت شرایط موجود دچار فاصله نقش دانش‌آموزی شده‌اند و احساس مسئولیت دانش‌آموزی در آنان کاهش یافته است. مهتاب (۳۵ ساله، کارشناسی و دارای دو فرزند) می‌گوید:

«این شرایط برای بچه‌ها خیلی زجرآور شده و من و پدرشم به شدت تحت وضعیت ناخوشایندی هستیم. الان بچه‌ها هیچ‌جا نمی‌تونن برن. نه پارکی، نه بازی‌ای، نه دوستی. برای همین روحیه خوبی ندارن. بچه من واقعاً از درس فرار می‌کنه یا تا میگی مشق بدخلاق می‌کنه و گریه».

زندانی شدن در خانه و عدم وجود شرایط عادی در کنار دلهره‌های موجود شرایط آموزش را برای دانش‌آموزان و اولیای آنها طاقت‌فرسا کرده است. نینا (۳۷ ساله، کارشناسی و تک‌فرزند) می‌گوید:

«بچه‌ها چون مدام تو خون و جایی نمی‌تونن برن خیلی روحیه حساسی پیدا کردن، خیلی پیگیر درس نیستن، توجهی نشون نمیدن، خیلی‌ام چیزی یاد نمی‌گیرن، مدام غر می‌زنن، نق می‌زنن، گریه می‌کنن و حوصله درس و تکالیفو ندارن و تحت فشارن»

حضور در مدرسه به دلیل بودن در میان جمعی از دوستان و گذراندن زمان طولانی در کنار گروه‌های همسن و سال خود از عوامل ایجاد جذابیت و تمایل بچه‌ها در انجام دادن تکالیف و حس رقابت است. در فضای کلاس رقابت میان دانش‌آموزان وجود دارد و پاسخ دادن پاداش در پی دارد و آن پاداش توجه معلم و تشویق دانش‌آموزان دیگر است ولی محیط خانه به کل بچه‌ها را از آن فضا دور کرده و دانش‌آموزان در انجام دادن تکالیف دلسرد و بی‌علاقه شده‌اند.

● شکست تابوی مجازی

آموزش مجازی بچه‌ها را به حضور در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی ناگزیر کرده و سبب سلب اختیار مادران از محدودیت‌ها و قوانین وضع شده پیشین در استفاده از اینترنت شده است. بهنوش می‌گوید:

«من به شدت حساس بودم روی اجرای ممنوعیت استفاده از اینترنت برای بچه‌ها و الان نقض شده و من ناراحت‌م واقعاً».

اغلب مادران بیان می‌کردند که برای تماشای ویدئوهای آموزشی، ارسال تکالیف و پرس‌وجوی درسی دانش‌آموزان باید از اینترنت استفاده کنند و این امر اختیارات بچه‌ها را در استفاده از اینترنت افزایش داده و کنترل مادران را کاهش داده است. افسانه می‌گوید:

«دختر من به بهونه درس مدام تو اینترنت سرچ می‌کنه».

با توجه به گفته‌های مادران مشارکت‌کننده راهبرد آموزش مجازی بدون توجه به سخت‌افزار مناسب آن سبب افزایش آزادی و اختیار بچه‌ها و شکسته شدن بسیاری از ممنوعیت‌های خانه شده و کنترل بچه‌ها را در استفاده از گوشی و اینترنت با چالش مواجه کرده است. سپیده (۳۶ ساله، کارشناسی ارشد و دارای دختر ۸ ساله) می‌گوید:

«من به کل اختیار گوشیمو از دست دادم. از صبح آندیا گوشی منو می‌گیره که بره درس گوش کنه. میام میبینم داره بازی داندلود می‌کنه یا تو اینترنت کارتن داندلود می‌کنه و نظارت من خیلی محدود شده».

از تبعات منفی آموزش مجازی، کاهش نظارت و کنترل مادران در استفاده از اینترنت بر فرزندان‌شان است، چرا که آموزش مجازی اختیار کودکان را افزایش داده است. تارا (۳۲ ساله، کارشناسی و دارای پسر ۷ ساله) می‌گوید:

«پسر من اصلاً عادت نداشت توی گوشی بره یا اینترنت گردی کنه. الان قشنگ وارد شده بره تو اینترنت بگرده، سرچ کنه و خیلی ام براش عادی شده. انگار حق خودش می‌دونه و کلاً دیگه خیلی به محدودیت‌های ما توجهی نمی‌کنه»

● ترديد در يادگيري و سنجش

حضور فیزیکی دانش‌آموزان در مدرسه و برگزاری کلاس‌های آموزشی به صورت چهره به چهره و برپایی جلسات و کلاسهای پرسش و پاسخ برای اطمینان از یادگیری دانش‌آموزان در مدرسه، قوت قلبی برای کاهش نگرانیها و دلهره‌های مادران در کسب مهارت سواد نزد فرزندان‌شان بود. آموزش مجازی مادران را با تردید در یادگیری فرزندان و همچنین دغدغه‌های تضعیف پایه تحصیلی آنها و نگرانیهای ورود به پایه تحصیلی بالاتر مواجه ساخته است. نحوه تدریس و ارزشیابی آموزش از دلایل اساسی مادران برای نگرانی و دلواپسی یادگیری فرزندان‌شان به شمار می‌آید و سبب تردید در یادگیری و سنجش آنان شده است. ندا (۳۵ ساله، کارشناسی و دارای دختر ۸ ساله) می‌گوید:

«بچه‌ها برای سال دیگه حتماً باید به مرور کامل از امسال داشته باشن، چون خودم احساس

می‌کنم دختر من خودش پایه اش افت کرده و به کم ضعیف شده، خوب یاد نگرفته. این شکلی درس رو نیاز به مرور داره حتماً و اگه این اتفاق نیفته اونوقت چی می‌شه. خیلی نگرانم»

برای برخی مادران آموزش مجازی سبب تضعیف پایه تحصیلی فرزندشان شده و آنها را با تردید در اثربخشی آموزش مجازی مواجه ساخته است و اغلب آموزش رو در رو را ترجیح می‌دهند. هنگامه (۴۰) ساله، کارشناسی ارشد و دارای پسر ۱۰ ساله می‌گوید:

«من اصلاً موافق آموزش مجازی نیستم و معتقدم به این شکل اصلاً نمی‌شه سنجش و ارزشیابی درست و دقیقی داشته باشن و بچه‌ها بدون اینکه دقیقاً متوجه باشیم خوب یاد گرفتن یا نه میرن پایه‌های بالاتر و در آینده به مشکل بر میخورن».

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف مطالعه تفسیر مادران دارای فرزند دانش آموز دبستانی، از آموزش‌های الکترونیکی و با استفاده از رویکرد کیفی و روش نظریه داده‌بنیاد انجام گرفته است. در فرایند تحلیل داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه با مادران، ۷ مقوله اصلی کشف شده که عبارت‌اند از: فشار روانی مضاعف، اخلاص روال روزمره، نقش مادر/ معلمی، وسواس تکلیف، فاصله نقش دانش آموز، شکست تابوی مجازی و تردید در یادگیری و سنجش.

آموزش مجازی از طریق درگیر کردن مادران در آموزش، اطمینان از یادگیری، ارسال به موقع تکالیف و مواردی مشابه، تجربه متفاوت و مسئولیت مضاعف را برای آنها ایجاد کرده است. چندگانگی نقش (مادری، همسر داری، خانه‌داری، معلمی) سبب شده است تا مادران فرصت کافی برای رفع نیازهای شخصی نداشته باشند. در نتیجه یکی از پیامدهای آموزش مجازی در زندگی روزانه مادران فشار مضاعف روانی است.

بر اساس تفسیر و دیدگاه مادران، تفاوت اساسی میان محیط مدرسه و محیط خانه، تاحدی به دلسردی و دلزدگی فرزندان از یادگیری و آموزش و در نتیجه فاصله گرفتن نقش دانش آموز منجر شده است. این مقوله که به معنای عدم جدی گرفتن درس و کم‌توجهی به تکالیف است، با نظریه دریفوس (۲۰۰۸؛ ترجمه ملائکه، ۱۳۸۳) نیز همسوس است. به نظر دریفوس دانش‌آموزان به تعامل حضوری با یکدیگر نیاز دارند، لذا عدم حضور در محیط مدرسه و عدم ارتباط چهره به چهره با همسالان سبب سستی و فراغت با همسالان خود معنای متفاوتی از زندگی دریافت می‌کردند. یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که آموزش مجازی برای مادران به بار آورده، تلاش برای ایجاد انگیزه در بچه‌هاست تا آنها را به انجام دادن تکالیف و توجه به آموزش سوق دهند.

عدم آشنایی دانش‌آموزان با آموزش به صورت مجازی، سبب شده است تا مادران در نقش مادر/معلمی ظاهر شوند و خود بخشی از مسئولیت آموزش را به عهده بگیرند. در کنار تلاش و فشار روانی مادران برای اطمینان یافتن از یادگیری فرزندان در جهت افزایش مهارت، می‌توان نگرانی‌هایی را دید که در زمینه ضعیف شدن پایه تحصیلی فرزندان در مادران رخنه کرده است و در نتیجه مادران را با تردید در یادگیری و سنجش مواجه ساخته است. عادت به ارزیابی حضوری و نامأنوس بودن ارزیابی مجازی آنها را دچار شک و تردید در سنجش فرزندان نشان کرده است. اغلب مادران نگرانی ضعیف بودن پایه تحصیلی فرزندان و مشکلات ورود به پایه تحصیلی بالاتر را دارند.

در سطحی دیگر آموزش مجازی منجر به شکستن تابوی مجازی برای دانش‌آموزان شده و اسباب خوگرفتن آنان با اینترنت و عادت جست‌وجو در اینترنت را فراهم کرده است. بر اساس گفت‌وگوهای مادران مشارکت‌کننده، یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی آموزش مجازی، مجاز شمردن دسترسی فرزندان به اینترنت و شکسته شدن مرزها، ممنوعیتها و قواعد استفاده از اینترنت است. این مقوله با نتایج تحقیقات طورانی و رستمی (۱۳۹۷) تأیید می‌شود، زیرا آنها نیز در نتایج خود دریافتند که آموزش مجازی هم یک تهدید است هم فرصت؛ شکستن تابوی مجازی و مجاز شمردن دانش‌آموزان به استفاده از اینترنت یک تهدید برای خانواده‌ها به شمار می‌آید و چالشی گسترده برای مادران در پی داشته است.

آنچه در ذهن مادران و دانش‌آموزان به عنوان مدرسه و درس و آموزش تعریف شده با شیوه کنونی متفاوت است. تصور نهادینه شده آموزش حضوری، مادران را با تردید در سنجش و یادگیری و دانش‌آموزان را با فاصله گرفتن نقش دانش‌آموز مواجه کرده است. نزد مادران و دانش‌آموزان نشستن پشت سیستم و یا تماشای آموزش دروس گوناگون از طریق تلفن همراه و در صفحه‌ای کوچک که نظارت معلم و کادر آموزشی مدرسه بر آن وجود ندارد کمی ناشناخته است. لذا پیشنهاد می‌شود نهاد آموزش و پرورش برای ترغیب و تشویق دانش‌آموزان و توجه به یادگیری و آشنایی مادران با شرایط جدید پیشقدم شود و به صورت مجازی کارگاههایی برای مادران در زمینه چگونگی هدایت و مدیریت دانش‌آموزان در خانه برگزار کند. همچنین پاداشها و امتیازهایی به صورت مجازی برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان برای عملکرد بهتر مد نظر قرار گرفته تا از مسئولیت مادران کمی کاسته شود و در پایان مادران برای چگونگی سازگاری با مسئولیت جدید و راهنمایی فرزندان تحت مشاوره و آموزش قرار گیرند.

- ادیب، یوسف؛ فتحی آذر، اسکندر و قره‌آغاجی، سعید. (۱۳۹۶). ادراک و تجربه مادران دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی داوطلب شرکت در آزمون مدارس استعدادهای درخشان. *پژوهش‌های آموزش و یادگیری*، ۱۴ (۱)، ۵۱-۶۱.
- افضل‌خانی، مریم؛ شریعتمداری، مهدی و ادیبی، ملیحه. (۱۳۸۹). امکان‌سنجی استقرار نظام آموزش مجازی در مدارس متوسطه استان سمنان. *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی*، ۴ (۳)، ۳۰-۹.
- بابایی، محمود. (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر یادگیری الکترونیکی*. تهران: نشر چاپار.
- برزگر، راضیه؛ دهقان‌زاده، حسین و مقدم‌زاده، اصغر. (۱۳۹۱). از یادگیری الکترونیکی تا یادگیری سیار: مبانی نظری. *نشریه دانشگاهی یادگیری الکترونیکی*، ۳ (۲)، ۳۵-۴۱.
- ترجمان، لیلا و سیادت، سیدحسین. (۱۳۹۸). امکان‌سنجی استقرار آموزش الکترونیکی در مدارس متوسطه روستایی و عشایری استان لرستان. *مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی*، ۱۲ (۱)، ۳۳۸-۳۱۱.
- تقی‌زاده‌قوام، زهرا؛ عراقیه، علیرضا و خورشیدی، عباس. (۱۳۹۶). شناسایی مؤلفه‌های سازنده آموزش‌های مجازی در دوره متوسطه شهرستان‌های استان تهران. *فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، ۷ (۳)، ۱۰۵-۱۲۵.
- تنهای‌رشوانلو، فرهاد و حجازی، الهه. (۱۳۹۱). نقش درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی‌مادر و پدر در انگیزش خودمختار و عملکرد تحصیلی فرزندان. *خانواده‌پژوهی*، ۸ (۱)، ۶۷-۸۲.
- دریغوس، هیوبرت. (۲۰۰۸). *درباره اینترنت: نگاهی فلسفی به اینترنت، آنچه اینترنت نمی‌تواند انجام دهد*، ترجمه علی ملائکه (۱۳۸۳). تهران: نشر گام نو.
- طورانی، زهرا و رستمی، شیداد. (۱۳۹۷). قابلیت‌های بستر فضای مجازی برای تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش. *نهمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران*، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- قربانخانی، مهدی و صالحی، کیوان. (۱۳۹۵). بازنمایی چالش‌های آموزش مجازی در نظام آموزش عالی ایران: مطالعه‌ای با روش پدیدارشناسی. *فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، ۷ (۲)، ۱۲۳-۱۴۸.
- کرسول، جان. (۱۹۹۷). *پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت‌پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی)*، ترجمه حسن دانائی‌فرد (۱۳۹۴). تهران: صفار.
- گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن. (۲۰۰۱). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان (۱۳۸۶). تهران: نشر نی.
- مسعودی، ماریا. (۱۳۹۸). ارزشیابی تکوینی و پایانی در محیط یادگیری الکترونیکی. *فصلنامه پژوهشنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*، ۲ (۲۳)، ۵۱-۷۲.
- مقدم، علیرضا. (۱۳۹۲). آموزش در فضای مجازی: پنجره‌ای میان‌رشته‌ای برای تولید دانش. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۵ (۴)، ۱۳۵-۱۵۹.

- Andrew, A., Cattan, S., Costa Dias, M., Farquharson, C., Kraftman, L., Krutikova, S., Phimister, A., & Sevilla, A. (2019). *How are mothers and fathers balancing work and family under lockdown?*. The Institute for Fiscal Studies.
- Bhamani, S., Makhdoom, A. Z., Bharuchi, V., Ali, N., Kaleem, S., & Ahmed, D. (2020). Home learning in times of COVID: Experiences of parents. *Journal of Education and Educational Development*, 7(1), 9-26.
- Boticki, I., Baksa, J., Seow, P., & Looi, C.-K. (2015). Usage of a mobile social learning platform with virtual badges in a primary school. *Computers & Education*, 86, 120-136.
- Bruner, J. S. (1966). *Toward a theory of instruction* (Vol. 59). Cambridge: Harvard University Press.
- _____. (1990). *Acts of meaning*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

- Chang, H.-Y., Hsu, H.-S., & Wu, H.-K. (2016). A comparison study of augmented reality versus interactive simulation technology to support student learning of a socio-scientific issue. *Interactive Learning Environments*, 24(6), 1148-1161.
- Charmaz, K. (2006). *Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis*. Sage.
- Chen, C.-H., Chou, Y.-Y., & Huang, C.-Y. (2016). An augmented-reality-based concept map to support mobile learning for science. *The Asia-Pacific Education Researcher*, 25(4), 567-578.
- Fokides, E. (2017). A model for explaining primary school students' learning outcomes when they use multi-user virtual environments. *Journal of Computers in Education*, 4(3), 225-250.
- Fotaris, P., Mastoras, T., Leinfellner, R., & Rosunally, Y. (2016). Climbing up the leaderboard: An empirical study of applying gamification techniques to a computer programming class. *Electronic Journal of E-Learning*, 14(2), 94-110.
- Horton, W. (2006). *E-Learning by design*. USA: Pfeiffer.
- Jonassen, D. H. (1991). Objectivism versus constructivism: Do we need a new philosophical paradigm? *Educational Technology Research and Development*, 39(3), 5-14.
- _____. (1996). *Computers in the classroom: Mindtools for critical thinking*. Columbus, OH: Merrill/Prentice-Hall.
- Pereira, A., Martins, P., Morgado, L., Fonseca, B., & Esteves, M. (2017, September). A technological proposal using virtual worlds to support entrepreneurship education for primary school children. In M. Auer, D. Guralnick, & I. Simonics (Eds.), *Teaching and learning in a digital world. ICL 2017. Advances in intelligent systems and computing*. Cham: Springer.
- Singh, V., & Thurman, A. (2019). How many ways can we define online learning? A systematic literature review of definitions of online learning (1988-2018). *American Journal of Distance Education*, 33(4), 289-306.
- UNESCO. (2002). *Open and distance learning. Trends, policy and strategy considerations*. Paris: UNESCO.
- Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in society*. Cambridge, MA: Harvard University Press.